

روایت شور فاطمی در شعر شاعران اردبیل

شعر به واسطه هنگارگریزی‌ها و آرایه‌های ادبی، ارتفاعی فراتر از سخن عادی دارد و با افزوده شدن چاشنی عشق معمومین (ع)، شاعر در عالم کشف و شهود قدم گذاشته و بدایعی الهام‌گونه را می‌آفریند، همچنانکه این روزها شمیم معارف فاطمی سبب تولد سروده‌های ناب در محافل ادبی استان اردبیل شده است.

به گزارش خبرنگار ایرنا استان اردبیل به لحاظ داشتن پیشینه و آوازه مذهبی و فرهنگی، مهد محافل شعری آمیخته با دین و مذهب بوده و هست و در این راستا انجمن‌های ادبی متعددی در همه شهرستان‌های این استان و بخصوص در مرکز آن همچون انجمن‌های آل محمد (ص)، کلک خیال، خطایی، ادواری و بانوان تشکیل شده است و نمود و بروز آنها در مناسبات‌های ملی و مذهبی بر جستگی خاصی دارد.

شامگاه دوشنیه مصادف با شب شهادت حضرت فاطمه (س) با همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل و همکاری و همدادستانی جمعی از اعضای انجمن‌های ادبی یادشده، محفل شعر فاطمی در سالن سخنرانی اداره کل مذکور برگزار شد و شمیم معرفت فاطمی فضای جلسه را معطر ساخت.

من متاسفانه با کمی تاخیر وارد محفل شدم، سکوتی آمیخته با توجه و تمرکز سنگین، فضای جلسه را در اختیار داشت و مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بعد از تلاوت کلام وحی، سخنان خود را آغاز کرده بود.

او و برخی از شura به نشانه روز عزای فاطمی جامه سیاه بر تن داشتند و البته رنگ‌های متنوع نیز در لباس شاعران مشهود بود و در واقع با وجود اینکه محل جلسه، فضایی اداری و رسمی بود، اما محفل انس بود و شura و ادباء هم به حدود و ثغور رایج و مرسوم واقف هستند و هم در عین صمیمیت و رسالت شاعرانگی، هر چه دل تنگشان می‌خواهد می‌گویند.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی اردبیل که سابقه سالها اجرای برنامه در شبکه برون مرزی صدا و سیما را دارد و زبان و بیان ترکی وی از طرافت و زیبایی خاصی برخوردار است، نقیبی به دوران حیات پیام‌آور نور و رحمت، محمد مصطفی (ص)، واقعه جانگداز عاشورا و سپس عظمت

زهرای مرضیه (س) زد و ارزشها و آموزه‌های نبوی، علوی و فاطمی را ذخایری تمام نشدنی برای شعر و ادب توصیف کرد.

عبدالله بحرالعلومی عشق و تعلق خاطر به اولیاً الهی را مشخصه بارز شعراء بخصوص شاعران ترک زبان دانست و گفت: درک و تجربه ظرايف اندیشه و سیره معصومین (ع) به روحی زلال و متفکر نیاز دارد و عبارت مشهور زینب کبری (س) یعنی "ما رأیتُ الا جميلاً" نمونه بارز نگاه متفاوت و عمیق به وقایع تاریخ اسلام است و شاعران نیز با نگاه‌هایی فراتر از عامه مردم، به تصویر و توصیف رویدادها می‌پردازند.

زمان شعرخوانی فرارسید و موسی فتحی شاعر و مجری خوش صدای محفل ادبی، چند بیت عاریه از حمیدرضا بر قاعی شاعر معاصر را اینگونه خواند:

زنی از خاک و از خورشید و از دریا قدیمی‌تر / زنی از حوری و آسیه و حوا قدیمی‌تر / زنی از نیت پیدایش دنیا قدیمی‌تر / که قبل از قصه قالوا بلى این زن بلى گفته ...

شروع شعرخوانی با این مطلع پر قدرت، همه را برای خوانش سروده‌ها آماده کرد و البته او در اثنای اجرا به این نکته اشاره داشت که خوانش شعر نه بر اساس رتبه و درجه ادبی و هنری شاعر بلکه بر اساس زمان حضور و شرکت به موقع در جلسه است و قصدی در پس و پیش دعوت کردن برای شعرخوانی نیست.

با دعوت مجری، خانم شبینم فرضی زاده از شاعران پرقدرت و صاحب اثر اردبیل شعرخوانی را آغاز کرد و شعر او طبق همیشه در خور موضوع، محکم و با محتوای خوب بود و به نوعی به واقعه در و دیوار و جراحت پهلوی دختر عفیف پیامبر خدا اشاره داشت و تقریباً با این مضمون و کلمات تمام کرد که "ما را ببخش که از درد و آتش نوشته ایم / ما را ببخش که آنجا نبوده ایم ...

شاعر بعدی خانم امان پور بود که با این بیت "تو ای کوثر ای روح قرآن و دین / به لطف و صفا عاشقان را ببین" شعرش را شروع کرد و در واقع دست امید و التجا به دامن مبارک فاطمه (س) دراز نمود و او همچنین چند بیت ترکی نیز در این مناسبت محزون خواند: "سَبِّنْدَه گویلره عشقین شراره سین اورگیم / دیلیمده اولدوز اولوب پارچالاندی دویغولاریم ...

به خاطر فاصله ای که داشتم صدا و نام برخی شاعران را به درستی متوجه نمی شدم و در ادامه، شاعره ای به نام خانم بهشتی شعری با مطلع " شبی من رازدار قصه‌ی پروانه‌ها بودم / اسیر اشک و دود و آتش ویرانه‌ها بودم" خواند و عمدۀ مضامین سروده او راجع به روز عاشورا بود و سپس خانم ندایی شعری کاملاً مرتبط با مناسبت و با این سرآغاز خواند که " بانو قرار عاشقیات برقرار شد / وقتی تمام کوچه به عشقت دچار شد.

گرم‌گرم شعرخوانی بود و مجری برنامه هر از چندگاهی ابیاتی ناب در رثای صدیقه کبریا (س) میخواند و شاعران را به خوانش شعر فرا میخواند و اینک نوبت خانم پری قدیمه بود تا شعرش را بخواند و او شعری آزاد و خارج از قالب‌های کلاسیک را پیشکش کرد " بعض یک سیلی بود و خدا تمام کوچه‌ها را گریه می‌کرد"

بعد از وی چند بانوی شاعره و تنی چند از آقایان شاعر، وقت خود را به دیگران وقف کردند.

آقای قاسمی شعری ترکی خواند و حال و هوای شعرش بیشتر با مذاхی و مرثیه عجین بود و اینگونه شروع می‌شد که " منتهای ظلمدن افلاکه دوشدی ولوله / دوندی قانه گوز یاشی، اتدی شکایت کوچه ده.

شاعری با عنوان علیزاده نیز شعری آهنگین و موزن را به گوش حاضران رساند که مطلعش اینگونه بود " فاطمه‌ای مخزن اسرارها / فاطمه‌ای معنی گفتارها / کیستی که مانده در وصفت بسی / پای در گل مرکب افکارها ...

مجری ناگهان من (عیسی پاشاپور) را به شعرخوانی دعوت کرد؛ من در انتهای جلسه از میکروفون دور بودم و ناچار بلند شدم و با ادای احترام به حاضران، اجازه خواستم تا برای تغییر حال و هوای انجمن، شعری متفاوت از حیث موضوع بخوانم و سپس سروده ای در وصف برف و زمستان را از روی یادداشت گوشی همراهم خواندم و چند بیت‌ش این بود " خواندند تا به گوش زمین داستان برف / افتاد خاک دلشده بر آستان برف / خشکید بیت بیت غزل‌های جویبار / تا سرکشید شعر سپید از زبان برف / شالی سفید داد به کوه و کرانه باد / باغ عطسه کرد از گذر ناگهان برف / چون صید در محاصره خیل گرگ‌ها / بیکار مانده کارگری در میان برف ...

حاج ولی محمدی از بزرگان شعر استان اردبیل شاعر بعدی بود که افتادگی و وزانت طبع و ادبش، جایگاه خاصی در میان شura به او

بخشیده است و شعر او در عین سادگی و گریز از تکلف و تصنع، پخته است؛ شعر او اینگونه شروع می‌شد که "اولدی پیغمبر، اولوب غمگین خیال فاطمه / سولدی غم دن غصه دن گول تک جمال فاطمه / اولمادی غم دن رها فکر و خیال فاطمه ...

آقای نوری از دبیران پیشکسوت و شاعران با تجربه اردبیل نیز در ادامه، شعری ترکی با این ابیات را به انجمن هدیه کرد "چیخمیشام بیر یئره کی گنبد مینا گورونور / پوزولوب بند تعلق دل شیدا گورونور / ارم باغ وجود ایچره گزیر جان دیلیم / هر ایشی حکمت ایلن، حکمتی اعلا گورونور...

شعر او در واقع اشاره به آفرینش و فلسفه هستی داشت و در ادامه به ارزشها و معارف دینی نیز پرداخته بود و مثل شعر سایر شاعران، با صلوuat حاضران مورد استقبال و تمجید قرار گرفت.

دکتر شهاب الدین وطندوست به عنوان شاعر بعدی شعرخوانی کرد؛ او از استادان دانشگاه محقق اردبیلی و از داوران جشنواره های ادبی استان است و شعر دفاع مقدس یکی از حوزه هایی است که او در آن قلمفرسا یی کرده و آثار قابلی به علاقه مندان ارزانی داشته است.

وطندوست شعرها یش را با این رباعی تاثیرگذار شروع کرد: "از سوگ تو آسمان غم آکنده / خورشید ز نور دیده ات تابنده / از سوگ تو تا روز قیامت ای گل / دیوار سر افکنده و در شرمنده

او همچنین شعری عاشرایی نیز قرائت کرد و تقریباً با این مضمون و اینگونه به سرانجام رساند که "هزار سال از آن روزها گذشت و هنوز / زند به بام فلک پرچم طفر چشمت ...

جناب انشو، یار همیشه همراه و همکار انجمن های ادبی اردبیل نیز که ثبت و ضبط و مستندسازی نشست های شعراء و ادباء را بر عهده دارد و به جرات می‌توان گفت که حضور وی سبب انسجام و مدیریت بهینه جلسات می‌شود، از آغاز برنامه در گوشه و کنار سالن حضور می‌یافتد و با عکسبرداری و فیلمبرداری و تهیه لیست شاعران حاضر، سعی در پربار بودن نشست داشت و در پایان نیز دهها جلد از یک کتاب شعر مذهبی اهدایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی را در میان شاعران توزیع کرد.

بحرالعلومی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی که خود از شاعران و ادبای استان است با صدا و بیان شیوا و دلنشیش، به عنوان حسن ختم

جلسه، چند بیت بدیع ترکی در ارتباط با عاشورا و ارزش‌های و آموزه‌های دینی را به گوش حاضران رساند و تحسین حاضران را برانگیخت.

اکنون دیگر شب فرارسیده بود و تاریکی هوا از پنجره سرک می‌کشد و زمان وداع را گوشزد می‌کرد و سرانجام، همگی در حین خروج از جلسه، به دعوت آقای انوش در راهروی اداره‌کل لحظاتی برای گرفتن عکس یادگاری ایستادند و بدین ترتیب، یکی دیگر از روزهای پرکار خود را البته با بهره مندی از خوان احسان و اکرام فاطمی به پایان رساندند.

تا باد چنین بادا